

۱

در متن زیر، چند "غلط املایی" یافت می‌شود؟
 "اگر از میان شما یک کس سرور نباشد که دیگر اخوان و اولاد و اعوان مطابع رأی و مطاوع فرمان او باشند، مثل مار چندسر باشد که شبی از سرمای سخت افتاد، خواستند تا در سوراخ خزند، هر سر که در سوراخ می‌کرد، سر دیگر معاندت می‌نمود و از صورت برودت خلاص نیافتند و بدان سبب هلاک گشتند."

(۱) یک

(۲) دو

(۳) سه

(۴) چهار

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۹

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۹

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۹

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۹

۲

کدام بیت با بیت زیر، مفهوم یکسانی دارد؟

"یوسف به این رهاشدن از چاه دل میند این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند"

(۱) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد

(۲) عزیزان نیستند از پرده اسباب مستغنی ز بوی پیرهن یعقوب پیغمبر شود بینا

(۳) گر آمد برون ماه یوسف ز چاه شد آن چشمه از چاه بر اوج ماه

(۴) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد

کنکور سراسری علوم انسانی خارج از کشور ۱۳۹۹

۳

متضاد واژه "یکرنگی" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

(۱) که نبایستی بگوید هیچ / بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر

(۲) ور بپرسی راست، گویم راست / قصه بی‌شک راست می‌گوید

(۳) و صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش می‌پیچید

(۴) خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند

امتحان نهایی علوم تجربی دوازدهم فارسی خرداد ۱۳۹۹

امتحان نهایی ریاضی و فیزیک دوازدهم فارسی خرداد ۱۳۹۹

۴

در کدام عبارت، غلط املایی وجود دارد؟

(۱) هرچند که در ثمرات عفت تأمل بیش کردم، رغبت من در اکتساب آن زیادت گشت.

(۲) او چون سورت آن شیران و صولت آن دلبران مشاهده کرد، انگشت ندامت گزیدن گرفت.

(۳) نه در ضمیر ضعیفان آزاری صورت بندد و نه گردنکشان را مجال عصیان و توسنی باقی ماند.

(۴) پیر را آز مال و دوستی فرزند در کار آورد تا جانب دین و مروّت مهمل گذاشت و ارتکاب این محظور جایز شمرد.

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۶

"قصه است این قصه، آری قصه درد است / شعر نیست؛ / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ همچون پوچ عالی نیست / این گلیم تیره بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، / روکش تابوت تختی هاست."

- ۱) مسکین چه کند حنظل (میوه تلخ) اگر تلخ نگوید
پرورده این باغ نه پرورده خویشم
- ۲) همچو سهراب مرا رستم غم کشت و سپس
چاک زد سینه و اظهار پشیمانی کرد
- ۳) به روی من گل بختی نکرد خنده ولی
به تیره بختی من روزگار خنده کند
- ۴) ای دل، ز قصه من و از سرگذشت خویش
افسانه ای بگو که خوابم نمی برد

تالیفی محسن اصغری

کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

"اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار
به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن"

- ۱) در میان دلی و این چه عجب
وطن گنج بود ویرانی
- ۲) این وطن مصر و عراق و شام نیست
این وطن جایی است کاو را نام نیست
- ۳) سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست
نتوان مُرد به سختی که من اینجا زادم
- ۴) کمند جذبه حب الوطن از وادی غربت
به دریا همچو سیل خوش خرام آورد مستان را

کنکور سراسری علوم انسانی داخل ۱۳۹۸

کدام ابیات غلط املایی دارند؟

- الف - اگر به چشم تعمل به خاک در نگری
ب - آیات فتح را به زبان سنان و تیغ
ج - گر خلاف راستی کردند نقلی، نیست غم
د - قالب فرزند آدم، از را منزل شده است
ه - روی تو از دل پُرد منزلت و غدر و ناز
- به زیر پای خود اندر هزار سر یابی
پیوسته اولیای تو تفسیر می زنند
هست بر تصدیق قول من، ضمیر تو گواه
انده پیشی و پیشی تیره کرد ایام را
موی تو از جان پُرد توش و توان و هوس

- ۱) الف - د
- ۲) ب - ج
- ۳) د - ه
- ۴) الف - ه

تالیفی ابوالفضل غلامی

در کدام عبارت، غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) از این نط، سخنانی گرم به گوشش خواند تا جوانب احتیاط فرو گذاشت و او را به دستوری ملک خویش منسوب ساخت.
- ۲) پس سورت غضب شهریار بنشست و از آنچه بود فارغ گشت و عمارت سینه، از گرد عداوت و کینه پاک گرداند.
- ۳) هرکه محتاج دیگران گشت، به نزدیک اقران و اغریا و کهتران خود خوار گردد.
- ۴) مال و مطاع دنیا، جمله زیور عاریت است که بر ظواهر حال آدمیزاد بسته.

تالیفی شاهین شیرزادی

در کدام گزینه، همه معانی مقابل واژه درست است؟

- ۱) طاق: فرد، یکتا، بی همتا، سقف
- ۲) دریابست: لازم، ضروری
- ۳) برازندگی: شایستگی، لیاقت، کمال
- ۴) مرتعش: لرزنده، ضعیف، دارای ارتعاش

تالیفی شاهین شیرزادی

- ۱) نامرذم اگر ز نم سر از مهر تو باز خواهی بکشم به هجر و خواهی بنواز
- ۲) گر کار جهان به زور بودی و نبرد مرد از سر نامرد برآوردی گرد
- ۳) هرکه بی‌باکی کند در راه دوست رهزن مردان شد و نامرد اوست
- ۴) از آن بی‌حمیت بیاید گریخت که نامردیش آب (آبرو) مردم بریخت

کنکور سراسری علوم تجربی داخل ۱۳۹۴

همهٔ ابیات با "تنیده یاد تو در تاروپودم میهن ای میهن" بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن "تقابل" دارند، به جز:

- ۱) سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح نتوان مُرد به سختی که من اینجا زادم
- ۲) آن آتشی که خاک وطن گرم بود از او طوری به باد رفت کز آن اخگری نماند
- ۳) قسمت ما نیست از صبح وطن جز تیرگی چشم ما از سرمهٔ شام غریبان روشن است
- ۴) در غریبی می‌کند نشو و نما حسنِ غریب در وطن پیراهن یوسف به‌غیراز چاه نیست

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام گزینه با "اگر مستم اگر هشیار، اگر خوابم اگر بیدار" به‌سوی تو بؤد روی سجودم، میهن ای میهن" تناسب دارد؟

- ۱) در وطن اهل هنر داغ غریبی دارند در صدف، گرد یتیمی به جبین گهر است
- ۲) مرهم به داغ غربت ما کی نهد وطن؟ گوهر ندیده‌ایم که دیگر به کان (= معدن) رسد
- ۳) گرچه از داغ غریبی روزگاری سوخت دل مرهم کافوری از صبح وطن، آخر گرفت
- ۴) از روزگار تلخِ خودت شکوه کن وطن هرگز نترس، گوش فلک کر نمی‌شود

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام گزینه با "یوسف به این رهاشدن از چاه دل مبد" این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند" تناسب ندارد؟

- ۱) کشیده‌دار در این دشتِ پرفریب، عنان که صدهزار سرابِ غلظنا اینجاست
- ۲) زهرِ فنا چو عاقبتِ کار خوردنی است خوردنِ فریبِ چشمهٔ حیوان چه لازم است؟
- ۳) مخور فریبِ شکرخندِ صبح چون طفلان که چرخ، زهر دهد در لباسِ قند تو را
- ۴) مخور فریبِ سخاوت ز چرخ کج‌رفتار که طعمه‌ای که دهد روی‌پوشِ قلاب است

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام گزینه با "یوسف به این رهاشدن از چاه دل مبد" این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند" تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) هرکجا باشم به‌غیراز گوشهٔ دل در جهان گر همه پیراهن یوسف بود، زندانی‌ام
- ۲) به بوی پیرهن از دوست صلح نتوان کرد کجا فریب دهد جلوهٔ بهشت مرا؟
- ۳) ز خنده‌رویی گردون، فریبِ رحم مخور که رخنه‌های قفس، رخنهٔ رهایی نیست
- ۴) مکن شتاب به هر ورطه‌ای که افتادی که ماه مصر برآمد ز چاه، زندان یافت

تالیفی ابوالفضل غلامی

همهٔ گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ با بیت "با اهل فنا هرکس دارد سر یکرنگی" باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد" تناسب دارند.

- ۱) شرط است که بر بساط عشقت آن پای نهد که سر ندارد
- ۲) در ره جان جهان، جان و جهان باخته‌اند تو اگر اهل دلی، دل چه بؤد؟ جان در باز
- ۳) سرِ میدان محبتِ بؤدت، مُلکِ وجود اگر دست دهد بر سر میدانِ در باز
- ۴) چو مرغ جان من از آشیان هوا گیرد کند نزول به خاکِ درِ سرای شما

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) صیاد ره بیست چنان، کز پی نجات
غیر ازطریق دام، ره دیگری نماند
- (۲) عشق آن‌چنان گداخت تنم را که بعد مرگ
بر خاک مرقدم کف خاکستری نماند
- (۳) هر در که باز بود، سپهر از جفا بیست
بهر پناه مردم مسکین دری نماند
- (۴) آلوده گشت چشمه به پوز پلید سگ
ای شیر! تشنه میر که آبشخوری نماند

تالیفی ابوالفضل غلامی

- (۱) ز بس نامردمی از چشم نرم دوستان دیدم
اگر بر گل گذارم پا ز زخم خار می‌ترسم
- (۲) شاید که کند رزم تو و بزم تو منسوخ
مردانگی رستم و بخشایش حاتم
- (۳) زان مسلم شد به گردون دعوی مردانگی
کز زمین سفله‌پرور هم‌نبردی برنخاست
- (۴) کار تیغ از دست آید چون قوی افتاد دل
پنجهٔ مردانگی، شیر ژبان را بس بود

تالیفی ابوالفضل غلامی

"آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی‌شد از لبش لبخند، / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند..."

- (۱) چو استاده‌ای بر مقامی بلند
بر افتاده گر هوشمندی مخند
- (۲) گه خشم چون چهره کردی نژند
دژم باش و با کس به‌زودی مخند
- (۳) جای گریه است این جهان در وی مخند
چشم عبرت برگشای و لب ببند
- (۴) مخند ای صبح بی‌هنگام که امشب سازشی دارد
نوی مرغ شب با خاطر اندوهناک من

تالیفی ابوالفضل غلامی

"آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی‌شد از لبش لبخند، / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند..."

- (۱) خوشا لبخند شادی‌آفرینان
که شادی روید از لبخند اینان
- (۲) جهان در بر رخ انسان نبندد
به روی هرکه خندان است، خندد
- (۳) خوشا دل‌های خوش، جان‌های خرسند
خوشا نیروی هستی‌زای لبخند
- (۴) مشو در پیچ‌وتاب رنج و غم گم
به هر حالت تبسم کن تبسم

تالیفی ابوالفضل غلامی

- "درختی بدید از برابر چنار
بر او بر گذشته بسی روزگار
- میانش تهی، بار و برگش به‌جای
نهان شد پشش مرد ناپاک‌رای
- چو رستم چنان دید، بفراخت دست
چنان خسته از تیر، بگشاد شست
- بدو گفت رستم: ز یزدان سپاس
که بودم همه‌ساله یزدان‌شناس
- مرا زور دادی که از مرگ، پیش
از این بی‌وفا خواستم کین خویش"

- (۱) افراسیاب
(۲) ضحاک
- (۳) شغاد
(۴) اشکبوس

تالیفی ابوالفضل غلامی

"قصه است این، قصه؛ آری قصه درد است / شعر نیست / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است"

- ۱) ما خون تازه در تن عشقیم و عشق را / شعر من و شکوه تو رمز الدوام شد
- ۲) بدین شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم / که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد
- ۳) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟ / یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
- ۴) شعر من از قبیله خون است، خون من / فواره از دلم زد و آمد کلام شد

تالیفی ابوالفضل غلامی

در کدام گزینه "ساختارهای کهن دستوری" به کار نرفته است؟

- ۱) مرد نَقال آن صدایش گرم، نایش گرم، / آن سکوتش ساکت و گیرا / راه می‌رفت و سخن می‌گفت.
- ۲) همچنان که دوخت، با کمان و تیر، بر درختی که به زیرش ایستاده بود، و بر آن بر تکیه داده بود.
- ۳) باز چشم او به رخس افتاد - اما ... وای / دید / رخس زیبا / رخس غیرتمند / با هزارش یادبود خوب خوابیده است.
- ۴) گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم / همگان را خون گرمی بود.

تالیفی ابوالفضل غلامی

کدام عبارت خطای املائی دارد؟

- ۱) نفسی که به معرفت نادانی منسوب نباشد، از خندیدن کسی باک ندارد.
- ۲) گفت آنچه دانستی بر رای ملک هویدا نکردی و در تنبیه چنین غدیری اهماال روا داشتی.
- ۳) هریک را به کاری منصوب کرد و به ترتیب خیل و خدم و سپاه و حشم مشغول گشت.
- ۴) اختر اقبال از وبال بیرون آمد و روزگار با او چنان شد که اگر خاستی، زهر در کام او شکر گشتی.

تالیفی ابوالفضل غلامی

در میان گروه‌واژه‌های زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

"طاق و فرد - ایار و ملاک - غالب و پیکر - حول و وحشت - صورت و شدت - زجه و ناله - محراب مسجد - هریوه و سیستانی - خوان هشتم - فریب و تزویر - عصای منتشا - صدای مرتشش - پور ضال زر"

- ۱) شش
- ۲) هفت
- ۳) پنج
- ۴) هشت

تالیفی ابوالفضل غلامی

در کدام ابیات معنی کلمه "طاق" همانند معنی آن در سروده زیر است؟

"رخش، آن طاق عزیز، آن تای بی‌همتا / رخس رخشنده / با هزاران یادهای روشن و زنده..."

الف - غلغل فکند روحم در گلشن ملائک هرکه که سنگ آهی بر طاق آبگون زد

ب - گر فراقت نکشد جان به وصال بدهم تو گرو بردی اگر جفت و اگر طاق آید

ج - سکندر که خورشید آفاق بود به روشن‌دلی در جهان طاق بود

د - صاحب‌هنری به مردمی طاق شایسته‌ترین جمله آفاق

ه - یکی را ز مردان روشن‌ضمیر امیر ختن داد طاقی حریر

- ۱) الف - ج
- ۲) ب - د
- ۳) د - ه
- ۴) ج - د

تالیفی ابوالفضل غلامی

(تنیده: در هم بافتن) - (سورت: تندی و تیزی) - (هول: پیرامون) - (هریوه: شهری در افغانستان) - (منتشا: نوعی عصا) - (عیار: معیار) - (عماد: تکیه کردن) - (مرتعش: لرزنده) - (رجز: حریف طلبی) - (زخم کاری: ضربه مؤثر)

- (۱) سه
(۲) شش
(۳) چهار
(۴) پنج

تالیفی ابوالفضل غلامی

معانی واژه‌های "مرادف، ناورد، شیون و بی‌همتا" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) هم‌ردیف - میدان نبرد - ضجه - طاق
(۲) مترادف - معرکه - زجر - فرد
(۳) هم‌ردیف - نبرد - ضجه - طاق
(۴) مترادف - میدان نبرد - زجر - فرد

تالیفی ابوالفضل غلامی

در کدام عبارت، غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) شیر در ایثار او افراط کرده و به زلت و سست‌رایی منسوب گشته.
(۲) یکی را از آنان که غدر کردند با من دم دوستی بود، ملامت و عتاب کردم.
(۳) حاکم این سخن را عظیم بی‌سندید و اسباب معاش یاران فرمود و معاونت ایام تعطیل وفا کرد.
(۴) از حدت و سورت پادشاهان بر حذر باید بودن که غالب همت ایشان به معظلمات امور مملکت متعلق باشد.

کنکور سراسری زبان خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری علوم تجربی خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری هنر خارج از کشور ۱۳۹۸

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک خارج از کشور ۱۳۹۸

همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

"با اهل فنا دارد هرکس سر یکرنگی باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد"

- (۱) جان که نه عشقش بود آن بازی است
(۲) اگر از کمند عشقت بروم کجا گریزم
(۳) مثال عاشق و معشوق شمع و پروانه است
(۴) مردن اندر کوی عشق از زندگانی خوش‌تر است
عشق نه بازی است که جان بازی است
که خلاص بی‌تو بند است و حیات بی‌تو زندان
سر هلاک نداری مگرد پیرامون
تا نمیری دست مهرش کوتاه از دامن مکن

کنکور سراسری ریاضی و فیزیک داخل ۱۳۹۸

املای کدام بیت، درست است؟

- (۱) ارغوان و ثمن برابر بید
(۲) هر نفس این پرده چابک‌رقیب
(۳) پیاله بر کفنم بند تا سحرگه حشر
(۴) روزه یک‌سو شد و عید آمد و دل‌ها برخاست
رایتی برکشید، سرخ و سپید
بازی‌ای از پرده برآرد غریب
به می ز دل بپریم حول روز رستاخیز
می ز خم‌خانه به جوش آمد و می باید خاست

کنکور سراسری هنر داخل ۱۳۹۸

مفهوم نمادین شعر زیر از کدام بیت قابل برداشت است؟
 "یادم آمد هان / داشتم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمایی، چه سرمایی!"

- ۱) خانه آباد ما را کرد در یکدم خراب
- ۲) خیل سرما رفت و خیل نوبهاران آمده است
- ۳) رسید موسم دی، جام و شیشه پیش آور
- ۴) روز وصلم هست کوتاه و شب هجرم دراز
- جور و بیدادی که در این کشور ویرانه بود
- قمری نالنده بر شاخ چناران آمده است
- تهی ز گرمی می در هوای سرد مباحش
- گر دم سرد جهان رسم زمستان یافته است

تالیفی محسن اصغری

مفهوم بیت زیر با کدام بیت قرابت دارد؟
 "تنیده یاد تو در تاروپودم میهن ای میهن"

- ۱) پیکر مام وطن دانی چرا خم گشته است
- ۲) ای دل افکار وطن مادر زار وطن
- ۳) ای خطّه ایران میهن ای وطن من
- ۴) بهر وطن گذشتم از سود خویش و باله
- بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن
- زانکه مشتی اجنبی خواهند سر بار وطن
- شاد شو شاد که بین تو و غم فاصله شد
- ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من
- گر قصد جان نماید، شادم به جان سپاری

تالیفی محسن اصغری

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) آن مرحله است وادیت ای کعبه مراد
- ۲) در این بساط چراغی که از نسیم فنا
- ۳) با اهل فنا دارد هرکس سر یکرنگی
- ۴) پای‌کوبان جان خود خواهیم باخت
- کاؤل قدم به راه تو باید ز جان گذشت
- به جان خویش نلرزد ایمان است
- باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد
- دستی از صدق و صفا خواهیم زد

تالیفی محسن اصغری

در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) چون همی‌بیند که می‌خواهد گرفتارش شود
- ۲) حول ندای کن کند نخل مرا ز بیخ و بن
- ۳) طاق باید شد از چنان جفتی
- ۴) دروغ ظلمت محض است و ناقدان سخن
- ضجه و فریادش از بیم گرفتاری بود
- هجر مرا تو وصل کن بی‌تو به سر نمی‌شود
- که همین خیر داند و خفتی
- از آن کنند عروسان شعر را خط‌وخال

مدارس برتر ایران علوم تجربی چهارم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۶
 مدارس برتر ایران ریاضی و فیزیک چهارم آزمون شماره ۱۱ ۱۳۹۶